



سازمان آموزش و پرورش استثنای کشور

جدول سجاده

پایه نهم متوسطه اول

گروه با آسیب شنوایی

معاونت آموزشی، پرورشی و تربیت بدنی
سال تحصیلی ۱۴۰۵ - ۱۴۰۴



سازمان آموزش و پرورش استثنایی کشور

اللهم احسن الحکم

hagh.ir

سجده ی سجاده آموزش صحیفه سجادیه

زین العابدین علیه السلام

پایه نهم متوسطه اول گروه با آسب شنوایی

ناظر : دکتر پروین قربانیان
مشاور علمی : فاطمه اژدری

کارگروه تدوین :
سمیه امیدی - راحله فرهمندی - صدرا طیبی - متین حسنی

معاونت آموزشی، پرورشی و تربیت بدنی
سال تحصیلی ۱۴۰۵ - ۱۴۰۴





سازمان آموزش و پرورش استثنایی کشور

سازمان آموزش و پرورش استثنایی کشور

سجده ی سجاد

آموزش مفاهیم صحیفه سجاده
پایه نهم متوسطه دوم گروه با آسبب شنوایی

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

۲	 مقدمه
۳	 آشنایی با زندگی نامه امام سجاد (ع)
۴	 نگاهی کوتاه به زندگی امام سجاد(ع)
۹	 دعا هشتم صحیفه سجاده
۱۱	 ترجمه بخش اول دعای هشتم صحیفه سجاده
۱۲	 شرح و تفسیر بخش اول دعای هشتم صحیفه سجاده
۲۴	 ترجمه بخش دوم دعای هشتم صحیفه سجاده
۲۵	 شرح و تفسیر بخش دوم دعای هشتم صحیفه سجاده
۳۲	 ترجمه بخش سوم دعای هشتم صحیفه سجاده
۳۳	 شرح و تفسیر بخش سوم دعای هشتم صحیفه سجاده
۳۹	 منابع



خدای بزرگ و مهربان با حکمت و دانش بی پایان خود، پیامبران زیادی را برای راهنمایی ما انسان ها فرستاده است تا راه درست زندگی کردن را به ما نشان دهند. حضرت محمد (ص) آخرین فرستاده خدا و پیامبر ما مسلمانان است. بعد از رحلت پیامبر اکرم (ص)، امامان معصوم (ع)، رهبری جامعه اسلامی را برعهده گرفتند. همه‌ی امامان معصوم (ع) برای هدایت مردم به راه راست تلاش می کردند، آنها از هر فرصتی برای راهنمایی مردم استفاده می کردند و با اخلاق و رفتار خود مسیر درست زندگی کردن را به مردم نشان می دادند.

امام چهارم، امام سجاد (ع) هم مانند دیگر امامان، با رفتار و شیوه زندگی بی نظیر خود الگوی خوبی برای ما مسلمانان است. ایشان در هنگام راز و نیاز با خدا، دعاهای زیبا و آموزنده ای بیان می کردند. "صحیفه ی سجادیه" نام کتابی است که دعاهای امام سجاد (ع) در آن جمع آوری شده است. خواندن این دعاها هم به ما آرامش می دهد و هم بر اخلاق و رفتارمان تأثیر خوبی می گذارد.

بخشی از دعاهای امام سجاد (ع)، جهت آشنایی دانش آموزان عزیز با آسیب شنوایی به زبان ساده و قابل فهم در این محتوای آموزشی گردآوری شده است و امید بر آن است که چراغ راهی برای روشن تر شدن مسیر زندگی شما عزیزان باشد.



زندگینامه امام سجاد(ع):

امام سجاد (ع) فرزند امام حسین (ع) است.
امام سجاد (ع) بعد از واقعه عاشورا و شهادت پدرش امام حسین (ع) به امامت رسید.

امام سجاد (ع) چهارمین امام شیعیان است.
امام سجاد (ع) پنجم شعبان سال ۳۸ هجری در شهر مدینه به دنیا آمد.
امام سجاد(ع) حدود ۳۵ سال امامت کردند.
امام سجاد (ع) توسط فرد ظالمی به نام هشام بن عبدالملک با زهر مسموم شدند و به شهادت رسیدند.
پیکر پاک ایشان در قبرستان بقع به خاک سپرده شد.

صحیفه سجادیه:

یکی از ویژگی های امام سجاد (ع) این بود که با خدای مهربان بسیار راز و نیاز می کرد و همیشه دعا می خواند.
وقتی دشمنان اسلام نگذاشتند که امام سجاد به طور مستقیم مردم را راهنمایی کند، امام با دعا و نیایش خود پیام های اخلاقی را به مردم می گفتند و به آن ها درس زندگی می دادند.
بعضی از دعا های امام سجاد(ع) در کتابی به نام "صحیفه سجادیه" جمع آوری شده است.
کتاب صحیفه سجادیه مانند قرآن کریم کتابی است که در آن در مورد مسائل دینی، اخلاقی و رفتاری مطالب مفیدی نوشته شده است، به همین دلیل بعضی ها به کتاب صحیفه سجّادیه لقب "خواهر قرآن" داده اند.
در کتاب صحیفه سجّادیه ۵۴ دعا از امام سجاد (ع) آمده است.



نگاهی کوتاه به زندگی امام سجاد(ع):

*یکی از ویژگی‌های واقعی امام سجاد (علیه السلام)، عبادت صادقانه او بود که به درگاه خداوند انجام ایشان عبادت کردن را بزرگترین حق خدا بر گردن انسان می‌دانست. از خدا خجالت می‌کشید که او را فقط به خاطر پاداش یا عذاب عبادت کند، او خدا را به خاطر شکر نعمت‌ها و اینکه خداوند شایسته عبادت است عبادت می‌کرد. به خاطر همین امام سجاد (ع) را زینت بخش عبادت کنندگان می‌خوانند که همان "زین العابدین" است.

*امام سجاد (ع) زمانی که گرفتار می‌شد، زمانی که از زیادی نعمت خوشحال می‌شد، زمانی که بین دو نفر را آشتی می‌داد یا زمانی که نماز و قرآن می‌خواند، سجده‌های طولانی داشت که به همین دلیل، لقب "سجاد" را به ایشان دادند. "سجاد" یعنی کسی که زیاد سجده می‌کند.

*امام سجاد (ع) در دعا‌های خود از ذکر "صلوات" زیاد استفاده می‌کرد و با اینکار سعی می‌کرد تا *امام سجاد (ع) توانستند اهل بیت را بیشتر و بهتر به مردم بشناساند.

*امام سجاد(ع) با استفاده از دعا مردمی را که دچار انحراف و فساد اخلاقی شده بودند را به عبادت خدا و بازگشت به زندگی خداپسندانه هدایت کند زیرا مردم با استفاده از آن دعاها می‌توانستند از ظلم و بی‌عدالتی حاکمان آن زمان که باعث انحراف مردم از راه درست و پسندیده شده بودند آگاه می‌شدند.



*امام سجاد (ع) همیشه خشم خود را کنترل می کرد و می فرمود:
"گواراترین نوشیدنی ها برای من فرو بردن خشم است." امام سجاد (ع) با این کار
به دیگران نشان می داد که در برابر ناسزاهای و فشارها، رفتار عادلانه و با آرامش
مهم تر از رفتارهای تند و بدون فکر است.
به خاطر همین بود که بعد از واقعه عاشورا در مقابل قاتلان پدرش بجای خشمگین
شدن و انجام رفتارهای تند، راه پدر را ادامه داد و با استفاده از روش سخنرانی
توانست اهل بیت را به مردم معرفی کند و مردم را نسبت به وظایفشان آگاه سازد.

*امام سجاد (ع) همیشه مردم را به صدقه دادن تشویق می کرد. همیشه قبل از غذا
خوردن، مقداری از آن را صدقه می داد. به هر چیزی که به عنوان صدقه می داد اول
بوسه می زد چون ایمان داشت هر صدقه ای اول به دست خدا می رسد و بعد به دست
نیازمند. او هم مانند پدر بزرگش امام علی (ع) هر شب کیسه های نان را بر دوش می
انداخت و به در خانه فقرا می برد و صدقه پنهانی را باعث خاموش شدن خشم خدا می
دانست. بعد از اینکه امام سجاد (ع) به شهادت رسید مردم متوجه شدند چه کسی
پنهانی برای آنها نان می آورد.

*امام سجاد (ع) می فرمایند:
"اگر به فقیران ظلم کنید، مال یتیمان را بخورید و به آن ها ظلم کنید ، زنانی که
همسرانشان از دنیا رفته اند را آزار دهید و امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنید،
خداوند بارش باران را از شما دور می کند و به جای آن بلا و گرفتاری را نصیب شما
می کند . اگر بیماری را عیادت کنید، تا زمانی که از آنجا بیرون نروید فرشته ها دور
شما می چرخند و برایتان دعا می کنند."



*دوران امامت امام سجاد (ع) از تاریک ترین دوران های امامان است که به آن "دوران سقوط فرهنگ اسلامی" می گویند. با این حال امام برای گسترش ایمان و زنده کردن اسلام از روش های تازه ای استفاده کرد. او باعث شد که عاشورا تا قیامت زنده بماند و راه را برای به وجود آمدن دانشگاه های انسان سازی و اسلام شناسی در دوران امام صادق (ع) و امام باقر (ع) باز کرد.

*یکی از مهم ترین کارهای امام سجاد (ع) بعد از حادثه عاشورا، معرفی هدف مبارزه امام حسین (ع) با یزید بود. زیرا یزید و یارانش، می خواستند مردم را در نا آگاهی نگه دارند و بخاطر همین اهل بیت (ع) که فرزندان پیامبر (ص) بودند و مردم را به راه درست و خداپسندانه هدایت می کردند را به شهادت می رساندند تا بتوانند با استفاده از نا آگاهی مردم بر آن ها حکومت کنند.

*امام سجاد (ع) پس از ماجرای کربلا، به شدت از طرف حاکمان ستمگر آن زمان (اموی ها) تحت نظر بود و مهم ترین کاری که او و شیعیانش را از شر کارهای خشن اموی ها محافظت می کرد، "تقیه" بود. "تقیه آن است که از تجاوز و ظلم ستمگری بترسی و بخاطر این که جان و چیزی که به آن اعتقاد داری، آسیب نبیند سکوت کنی و آن را بیان نکنی". این اصل در طول تاریخ اسلام همیشه باعث حفظ و باقی ماندن شیعه بوده است.

*امام سجاد (ع) مخفیانه فرزندش امام محمد باقر (ع) را به عنوان رهبر و امام بعدی تربیت کرد شیوه امام سجاد (ع) برای مبارزه فرهنگی با دشمنان و مخالفان قرآن و اهل بیت (ع)، پرورش و تربیت مردم آن زمان بود برای اینکه با پیام های امیدبخش قرآن و اهل بیت (ع)، آشنا شوند، و در مسیر بندگی خدا و سعادت قرار بگیرند. او یاران و شاگردان زیادی را برای دفاع از اسلام در مقابل دشمنان پرورش دادند. شیعیان از زمان امام سجاد (ع) شکل گرفتند.

*امام سجاد (ع) از هر فرصتی برای ترویج دین اسلام استفاده می کردند. به عنوان مثال برده هایی بودند که مرتب در خانه امام سجاد (ع) آموزش می دیدند و آزاد می شدند.



چند قیام مهم دوران امامت امام سجاده (ع):

قیام مختار

قیام توأیین

قیام مدینه

نام برخی از شاگردان امام سجاده (ع):

سعید بن مسیب

سعید بن جبیر

ابو خالد کابلی

جابر بن عبدالله انصاری



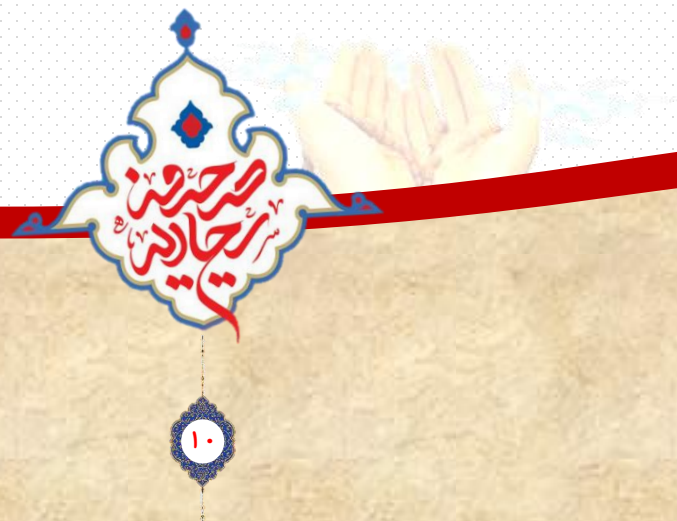
فِي الْإِسْتِعَاذَةِ مِنَ الْمَكَارِهِ وَ سَيِّئِ الْأَخْلَاقِ وَ مَذَامِ الْأَفْعَالِ

دعای پانزدهم صحیفه سجادیه از دعا‌های امام سجاد (ع) است که می فرمایند: "پناه بردن به خداوند متعال از ناملایمات و بد رفتاری و رفتار ناپسند است."

این دعا همانگونه که از عنوانش پیداست بیشتر مربوط به حالات بد اخلاقی و اشاره به صفت هایی است که اگر در انسان پررنگ شود آثار و عواقب بدی بر فرد و جامعه دارد. امام سجاد(ع) در این دعا با معرفی ۴۴ ویژگی اخلاقی و رفتاری که می تواند آثار سوء فردی و اجتماعی داشته باشد، راه نجات از آن ها را پناه بردن به خداوند متعال می داند.

در بخشی از این دعا امام سجاد (ع) نه تنها امام از ویژگی های بد اخلاقی به خدا پناه می برند، از بد رفتاری و بد اخلاقی دیگران از جمله حاکمان نیز به خدا پناه می برد.

زندگی انسان در دنیا همراه با انواع مشکلات است مشکلات مادی، معنوی، از دست رفتن عزیزان، حوادث وحشتناک طبیعی مانند زلزله ها و سیل ها، انواع بیماری ها و دشمنی ها و زندگی انسان هرگز از این مشکلات جدا نمی شود و صبر، مقاومت در برابر این مشکلات و پناه بردن به خداوند از گرفتاری به اخلاق های ناپسند در نتیجه این مشکلات است که باعث می شود انسان از سعادت دنیا و آخرت محروم شود.



ترجمه بخش اول دعای هشتم صحیفه سجادیه

خداوندا! به تو پناه می برم از هیجان حرص

و تسلط غضب

و غلبه حسد

و کم صبری در برابر حوادث سخت زندگی و مشکلات

و کمی قناعت در مصارف زندگی

و تند خوئی و بد خلقی

و زیاده روی در شهوت

و تعصب جاهلانه.



شرح و تفسیر بخش اول دعای هشتم صحیفه سجادیه

از این رذائل اخلاقی به تو پناه می برم....

امام سجاد (ع) در بخش اول این دعا از هشت صفت ناپسند و اخلاق زشت که هر کدام از آن ها آثار تخریبی فوق العاده ای در زندگی فرد و جامعه دارد به خدا پناه می برد و می فرماید:

"خداوندا ! به تو پناه می برم از هیجان حرص و تسلط غضب و غلبه حسد و کم صبری در برابر حوادث سخت زندگی و مشکلات و کمی قناعت در مصارف زندگی و تند خویی و بد خلقی و زیاده روی در شهوت و تعصب جاهلانه."

در بعضی از کتاب های لغت برای حرص دو معنی ذکر کرده اند:

اولی دریدن و پاره کردن

و دوم زیاده روی در علاقه به چیزی ویژگی اول : حرص

حرص یک صفت اخلاقی ناپسند است و به حالتی گفته می شود که انسان را در عمل وادار به زیاده خواهی می کند تا به سراغ چیزهایی برود که در زندگی به آن محتاج نیست. این اخلاق زشت زیاده خواهی یکی از دلایل بی عدالتی در جامعه انسانی است، چون اگر هر کسی به مقدار نیازش از هر چیزی برای خودش بخواهد و بقیه را برای دیگران بگذارد شاید هیچ کس در دنیا فقیر نباشد.



حرص فقط مربوط به به دست آوردن ثروت نیست بلکه بعضی ها حتی در به دست آوردن قدرت هم حریص هستند و علاقه دارند کارهای مهم اجتماعی را در خود جمع کنند که گاهی وقت ها انجام دادن یکی از آن کارهای مهم هم مشکل است.

نخستین ویژگی های بد اخلاقی که در جهان پیدا شد و بر زندگی حضرت آدم و همسرش حوا و فرزندانش تاثیرات زیادی گذاشت، این سه ویژگی اخلاقی بد بود:

اول : تکبر بود که شیطان در برابر فرمان خدا انجام داد و خودش را بالاتر از مقام آدم دید و باعث بدبختی خودش شد.

دوم : حرص بود که باعث شد آدم و حوا از میوه درخت ممنوعه بخورند و از بهشت خارج شوند.

سوم : حسادت بود که باعث شد قایل، فرزند حضرت آدم، بر اثر حسادتی که به برادرش هابیل پیدا کرد او را کشت و سرانجام زمانی دچار پشیمانی شد که دیگر سودی نداشت.

این سه ویژگی بد اخلاقی ممکن است تا پایان جهان در میان انسان ها باشد و قربانی بگیرد.

امام علی (ع) در نکوهش حرص می فرماید:

"حرص انسان را در بسیاری از عیب ها وارد می کند."

انسان حریص برای رسیدن به اهدافش، هم دروغ می گوید و هم مرتکب ظلم می شود و هم باعث آزار دیگران می شود و هم حق آن ها را به زور می گیرد و

انسان حریص در دنیا همیشه در رنج و زحمت است.



امام باقر (ع) می فرمایند:

انسان حریص مانند کرم ابریشم است که مرتب تارهایی به دور خود می تند و هر چه بیشتر تار می تند، خارج شدن خود از پیله را سخت تر می کند تا زمانی که با غم و اندوه از دنیا برود.

ویژگی دوم: خشم و غضب

دومین ویژگی که امام سجاد(ع) از آن به خدا پناه می برد، تسلط خشم و غضب بر انسان است. ممکن است انسانی خشمگین شود، ولی خودش را حفظ کند و رفتار ناشایست نداشته باشد ولی گاهی هنگامی که خشم بر انسان غلبه می کند، کارهای زشت و ناپسندی از او سر می زند.

درباره خطرات خشم و غضب هر چه گفته شود کم است چون بسیاری از جنایات مهم در هنگام خشم و غضب اتفاق افتاده است و گاهی انسان در هنگام خشم و غضب کاری را انجام می دهد که کفاره آن را تا آخر عمر نمی تواند بپردازد. احادیث زیادی از پیامبر اکرم (ص) و

امامان معصوم در سرزنش خشم و غضب وجود دارد زیرا خطرات آن بسیار زیاد می باشد.



حضرت محمد (ص) در حدیثی درباره ی خشم و غضب می فرماید:

"غضب ایمان را فاسد می کند همان طور که سرکه غسل را."

امام علی (ع) هم در حدیثی می فرماید::

"خشم و غضب، صاحبش را از بین می برد و عیب های او را آشکار می کند."

امام علی (ع) هم در حدیث دیگری در نکوهش این صفت بد اخلاقی می فرماید:

غضب آتش بر افروخته ای است. کسی که خشم خود را کنترل کند آن آتش را خاموش کرده است و هر کس که خشمش را رها کن، اولین کسی که با آن می سوزد، خود اوست.

مطالعه پرونده جنایی دادگاه ها نشان می دهد که علت شروع بسیاری از جنایت های خیابانی یا خانوادگی همان خشم و غضب است و در این زمان بیشتر شده است.



سومین ویژگی خطرناک انسان که امام سجاد (ع) درباره آن صحبت می کند، حسد است.

حسد یعنی اینکه انسان از نعمتی که خدا به دیگران داده است، ناراحت شود و تلاش کند تا آن ها را از بین ببرد یا اینکه آرزوی از بین رفتن آن ها را داشته باشد.

حسد از بدترین ویژگی های انسان است که باعث انجام کارهای زشت از طرف انسان می شود.

کسی که حسود است و دروغ می گوید، غیبت می کند، ظلم می کند و از همه مهم تر با حکمت خدا و نعمت هایی که خدا به دیگران داده است در جنگ است و حتی گاهی ایمان خود را نیز در این راه از دست می دهد.

همانطور که گفته شد اولین قتلی که در جهان اتفاق افتاد، توسط قایل نسبت به برادرش هابیل، در نتیجه حسادت بود. هم در قرآن و هم در روایات درباره سرزنش حسد صحبت شده است.



امام علی (ع) درباره حسد به عنوان ویژگی زشت اخلاقی می فرمایند:

"سرچشمه تمام ویژگی های بد اخلاقی حسادت است."

حسد هم دشمن روح و ایمان انسان است و هم دشمن جسم انسان است، همان گونه که

در حدیثی از پیامبر گرامی اسلام آمده است:

"از حسد پرهیز کنید زیرا که ویژگی های خوب انسان را از بین می برد، همان طور که

آتش هیزم را می سوزاند و نابود می کند."

افراد حسود از نظر اجتماعی هم منفور و سرافکنده هستند، همان گونه که امام علی (ع)

می فرماید:

"شخص حسود هرگز در جامعه به مقام و بزرگی نمی رسد."

در کنار حسد ویژگی غبطه نیز در انسان وجود دارد که جنبه مثبت دارد یعنی اینکه به

جای آرزوی از بین رفتن نعمت های دیگران، آرزو کند که خود نیز به آن نعمت ها برسد

و برای رسیدن به آن تلاش کند. این رقابت مثبت باعث پیشرفت فرد و جامعه می شود و

از ویژگی های خوب اخلاقی است.



امام در ادامه به چهارمین ویژگی بد اخلاقی اشاره می کند و از آن به خدا پناه می برد و می گوید:
"خداوندا ! به تو پناه می برم از کم بودن صبر در برابر حوادث ناراحت کننده دنیا."

زندگی دنیا با انواع مشکلات مادی و معنوی مانند از دست رفتن عزیزان، حوادث وحشتناک طبیعی مثل زلزله و سیل، ابتلا به انواع بیماری ها و درگیری ها و دشمنی ها، همراه است. صبر، مقاومت در برابر این مشکلات است.

انسان در برابر مشکلات زندگی دو نوع عکس العمل از خود نشان می دهد. یکی صبر، تحمل، شکایت نکردن و پیدا کردن راه حل و دوم حالت بی تابی و اظهار ناراحتی که همراه با شک کردن به آنچه خداوند در تقدیر انسان قرار داده است همراه می شود و نتیجه ای جز ناتوانی روح و جسم نخواهد داشت.

در احادیث زیادی برای صبر کردن در برابر این امور ثواب های زیادی ذکر شده است:

- صبر در برابر مشکلات و حوادث دردناک زندگی

- صبر در برابر مشکلات اطاعت از خداوند بزرگ و مهربان

- صبر در برابر فشار گناهان.



بدون شک در اطاعت از خداوند، جنگیدن با دشمنان، روزه گرفتن در روزهای گرم تابستان و حتی نماز های اول وقت به ویژه نماز صبح و یا انجام مراسم حج هنگام شلوغی، مشکلات زیادی برای انسان وجود دارد ولی انسان صبور کسی است که این مشکلات را به جان بخرد و هرگز از اطاعت خدا سرپیچی نکند.

همچنین زمانی که شیطان انسان را وسوسه می کند و هوای نفس به او غلبه می کند و به سمت گناه کشیده می شود؛ اگر صبر و استقامت انسان نباشد، در برابر هیچکدام از این ها نمی تواند مقاومت کند. بنابراین صبر مهم ترین وسیله انسان برای اطاعت از خداوند، ترک گناهان و مقابله با حوادث سخت است.

امام علی (ع) در کلمات قصار تعبیر بسیار مهمی درباره صبر به کار می برد:

"شما را به صبر و شکیبایی دعوت می کنم زیرا ارزش صبر در ایمان مثل ارزش سر برای بدن است؛ همان طور که بدن بدون سر بی فایده است، ایمان بدون صبر نیز بی فایده است."



می دانیم که مهم ترین حواس انسان در سر او قرار دارد. بینایی، شنوایی، چشایی، بویایی و توانایی سخن گفتن. بنابراین دریافت انسان از مسائل مختلف از طریق سر اوست؛ علاوه بر این فرمانده اصلی اعضا، مغز است که در سر قرار دارد. پس اگر سر در بدن نباشد نه فرماندهی وجود دارد و نه وسیله ای برای درک .

ایمان بدون صبر نیز مثل همین است.

در قرآن مجید درباره صبر آمده است که: " بهشت پاداش صبر و استقامت انسان است. در دستورات جنگی اسلام نیز می خوانیم که آن چیزی که باعث پیروزی مسلمانان بر دشمنان می شد حتی زمانی که تعدادشان خیلی کمتر از دشمنان بود همان صبر و استقامت آن ها در میدان نبرد بود.

ویژگی پنجم : کمبود قناعت

امام در این قسمت به پنجمین ویژگی زشت اخلاقی که کمبود قناعت است به خدا پناه می برد و می گوید: "خداوندا ! به تو پناه می برم از کمی قناعت."

حقیقت قناعت این است که انسان به حداقل چیزهای مورد نیاز در زندگی قانع باشد و اگر از راه حلال نتواند چیز بیشتری به دست آورد با همان بسازد و به دنبال رفاه نرود.



از پیامبر اکرم (ص) آمده است که از جبرئیل پرسید: "تفسیر قناعت چیست؟" و جبرئیل جواب داد: "قناعت یعنی به آن چیزی که از دنیا به تو می رسد قانع باشی و به مقدار کم قناعت کنی و خدا را در برابر آن شکر کنی."

قناعت انسان را از بسیاری از گناهان باز می دارد و به او آرامش و حس شکرگزاری می دهد.

امام علی (ع) در باره ی قناعت می فرماید:

"قناعت گنج بی پایان است."

ویژگی ششم: کج خلقی (بد اخلاقی)

در ادامه این بخش از دعا، امام به کج خلقی به عنوان یکی دیگر از رذایل اخلاقی اشاره می کند و از آن به خدا پناه می برد. افراد کج خلق افرادی هستند که در زندگی به خاطر مسائل جزئی بداخلاقی و سخت گیری می کنند و به دعا و پرخاش می پردازند، به همین دلیل همه را از خود می رنجانند و مردم از آن ها متنفر می شوند در نتیجه این بد اخلاقی باعث تنهایی آن ها در خانواده و جامعه می شود و برعکس کسانی که دارای حسن خلق و برخورد خوب و آسان گیری نسبت به مسائل هستند، اطرافیان را جذب می کنند و همه جا دوستان فراوانی پیدا می کنند. اهمیت حسن خلق به اندازه ای است که در روایات مساوی اسلام آمده است.



گاهی این بداخلاقی و سخت گیری افراد کج خلق نه تنها در برابر مردم است ، در برابر خدا هم اتفاق می افتد و این افراد نسبت به حکمت خدا و قسمت او اعتراض می کنند و ایمان خود را کم کم از دست می دهند.

ویژگی هفتم : شهوت

هفتمین صفت بد اخلاقی که امام از آن به خدا پناه می برد، شهوت است و می فرماید:
"خداوندا ! من به تو از اصرار به شهوت پناه می برم."

شهوت یعنی علاقه به چیزی، چه این علاقه به خوردنی و نوشیدنی ها باشد، چه به جنس مخالف و چه به مقام و چه به زر و زیور.

همه این انگیزه ها برای حفظ زندگی انسان لازم است. اگر علاقه به خوردنی ها و آشامی دنی ها نباشد، بدن انسان تحلیل می رود و به نابودی کشیده می شود و اگر علاقه به جنس مخالف و تشکیل خانواده نباشد، نسل انسان منقرض می شود و اگر علاقه به مقام نباشد، مدیریت جامعه از دست می رود. برای همین همه این علاقه ها به اندازه برای ادامه زندگی ضروری است و فقط زمانی مشکل به وجود می آید که جنبه زیاده روی به خود بگیرد.



در این قسمت امام سجاد به آخرین صفت اخلاقی بد در این بخش اشاره می کند و می فرماید:

" خداوندا! به تو پناه می آورم از این که داشتن تعصب غلط در من ریشه دار شود."

مشخص است که این نوع تعصب انسان را از قضاوت منصفانه باز می دارد و به راه اشتباه دعوت می کند و علت بسیاری از بدبختی هایی که برای انسان پیش آمده و بسیاری از جنگ ها و خون ریزی ها، همین تعصبات زشت و بی دلیل است.

این عصبیت در دوران ما به گروه تکفیری ها رسیده است و نه تنها از عصبیت دوران جاهلیت کم تر نیست بلکه شدید تر است و این عصبیت شیطانی اسلام را در آتش خود فرو برده و آثار وحشتناک آن به خارج از جهان اسلام رسیده است و اسلام را در نظر انسان های نا آگاهی که این افراد را مسلمان می دانند زشت نشان می دهد.



ترجمه بخش دوم دعای هشتم صحیفه سجادیه

خداوندا! از پیروی هوای نفس و مخالفت با هدایت تو و خواب غفلت

و پیمودن راه پر تکلف و نادرست

و مقدم داشتن باطل بر حق و اصرار بر گناه

و کوچک شمردن گناه و بزرگ شمردن بندگی، به تو پناه می برم.

خداوندا! به تو پناه می برم از فخر فروشی ثروتمندان و از حقیر شمردن مستمندان

و از این که نسبت به زیر دستان خود بدرفتاری کنیم

و ناسپاسی نسبت به کسانی که به ما خدمتی کرده اند.

و از این که ظالمی را یاری کنیم یا به یاری مظلومی نشتاییم.

و از این که چیزی را طلب کنیم که حق ما نیست.

یا سخنی بگوییم که به آن علم نداریم.



شرح و تفسیر بخش دوم دعای هشتم صحیفه سجادیه

از این اعمال بد نیز باید به خدا پناه برد.....

امام در این بخش از دعا از هشت عمل ناپسند و زشت که هر کدام می تواند برای انسان مرگبار باشد به خدا پناه می برد و می فرماید: " خداوندا! از پیروی هوای نفس و مخالفت با هدایت تو و خواب غفلت و پیمودن راه پر تکلف و نادرست و مقدم داشتن باطل بر حق و اصرار بر گناه و کوچک شمردن گناه و بزرگ شمردن بندگی، به تو پناه می برم.

امام سجاد (ع) در بخش قبل برکارهای ناپسند تکیه کردند و در این بخش روی کارهای ناپسند و زشت تکیه می کنند.

پیروی از هوای نفس

پیروی از هوای نفس به معنای تسلیم شدن در مقابل خواسته های نامشروع و همراه با گناه است که برای نفس سرکش انسان، لذت بخش و برای زندگی معنوی او دشمن اساسی است.

در مورد پیروی از هوای نفس در آیات قرآنی و روایات اسلامی تعبیرات زیادی آمده است که نشان می دهد، مشکل اصلی انسان همان پیروی از هوای نفس است.



در ادامه امام به یکی دیگر از کارهای خلاف و از بین برنده خوشبختی انسان اشاره می کند و می فرماید: "خداوندا ! به تو پناه می برم از این که با چیزهایی که مرا هدایت می کنند مخالفت کنم."

هدایت چند مرحله دارد:

بعضی وقت ها هدایت از سوی خداست،

بعضی وقت ها هدایت از سوی فرستادگان خداست

و بعضی وقت ها هم از سوی دانشمندان و عالمان.

هدایت هم در امور معنوی انسان است و هم در امور مادی، ومعنی همه این ها راه یافتن به سوی خداوند و قدم برداشتن در راه درست و مستقیم است و ما مسلمانان هر روز در نمازهایمان از خداوند بزرگ می خواهیم که ما را به راه راست هدایت کند.

مخالفت با هدایت شدن چند علت دارد:

یک علت آن هوای نفس است که انسان هوای نفس خود را از هدایت شدن به سوی خدا مهم تر می داند، علت بعدی آن نادانی انسان است که او را گمراه می کند و با هدایت مخالفت می کند

و علت دیگر آن فرو رفتن انسان در گناهان است که باعث می شود حس تشخیص درست و غلط انسان دچار دگرگونی شود ، خوبی ها را در نظرش بد و زشتی ها را در نظرش زیبا جلوه دهد و گاهی به جایی می رسد که هیچ کدام از اسباب هدایت در او اثر نمی کند.



هدایت به دو صورت است: یکی هدایت به معنای نشان دادن راه و یکی به معنای دست کسی را گرفتن و راه بردن و به مقصد رساندن است و مخالفت با هدایت شدن شامل هر دو را شامل می شود، یعنی نه گوش به حرف هدایت کنندگان به سوی خدا می دهد و نه حاضر است با آن ها راه بیفتد و به مقصد برسد.

غفلت و بی خبری

سومین کار خلاقی که که امام از آن به خدا پناه می برد غفلت و بی خبری است و می فرماید:

" خداوندا! به تو پناه می برم از خواب غفلت."

غفلت یعنی بی توجهی و بی خبر ماندن از واقعیت هاست مانند غفلت از خداوند، آخرت، سعادت و مانند آن ها. در این بخش از دعا امام غفلت را شبیه خواب می داند، هم خواب سبک و هم خواب سنگین و هم از خواب سبک غفلت و هم از خواب سنگین غفلت به خدا پناه می برد، چون همان طور که انسان در خواب چیزی نمی فهمد در حالت غفلت هم همین گونه است.

عواملی که باعث غفلت و بی خبری انسان می شود:

_ جهل و نادانی انسان نسبت علم و وجود پروردگار

_ غرور و خود بینی انسان

_ غرق شدن در نعمت های مادی

_ رقابت های نادرست و زیاده خواهی



_ سلامت جسم و نجات یافتن از بیماری ها

_ آرزوهای دراز

_ عواقب غفلت و آثار زیان بار آن:

_ غفلت باعث سنگدلی می شود.

_ غفلت عمل انسان را فاسد می کند.

_ غفلت باعث دوری از خداست.

_ پیمودن راه پر تکلف (راه سخت و نادرست)

چهارمین کاری که امام از آن به خدا پناه می برد، رفتن به سوی کارهای سخت و نادرست است و می فرماید: "خداوندا! از پیمودن راه پر تکلف به تو پناه می برم."

بسیاری از افراد هستند که به علت وسواس عبادت ها را برای خود سخت می کنند تا جایی که ناگهان عبادت را کنار می گذارند و حتی نماز هم نمی خوانند و یا اگر هم بخوانند، با تنفر و اعتراض همراه است. پس انسان باید از سخت گرفتن به خود دوری کند که باعث تنفر می شود.



مقدم دانستن باطل بر حق و اصرار بر گناهان

در ادامه امام سجاد (ع) از پنجمین و ششمین کار زشت به خدا پناه می برد و می فرماید:

"خداوندا ! به تو پناه می برم از این که باطل را بر حق مقدم دارم و اصرار به گناه کنم."

باطل نقطه مقابل حق است و هر چیزی بر خلاف حق باشد چه موجود و چه اعتقاد، باطل محسوب می شود و باطل نابود شدنی است.

اصرار به معنی ایستادگی در انجام کاری و ادامه دادن است.

گناهی که انسان به انجام آن اصرار می کند قلب انسان را تیره می کند و او را از راه راست منحرف می کند تا جایی که حتی گاهی وجود خدا را نیز انکار می کند.

کوچک شمردن گناه و بزرگ شمردن اطاعت از خدا

در ادامه امام به هفتمین و هشتمین خطا اشاره می کند و می فرماید:

"خداوندا ! از کوچک شمردن گناه و بزرگ شمردن اطاعت به تو پناه می برم."



این دو کار زشت هم نقطه مقابل هم هستند و بسیاری از مردم به انجام این کارها مبتلا هستند، بسیاری از افراد هستند که گناهان بزرگی انجام می دهند ولی آن را کوچک می شمردند که این کوچک شمردن گناه، یک گناه دیگر است و افراد زیادی هم هستند که اطاعت از خداوند را انجام می دهند و آن کار را بزرگ می دانند و با این کار باعث کم شدن ارزش عبادت می شوند و یا کامل ارزش آن را از بین می برند. گناه هر چه باشد چون نافرمانی از خداوند است، کوچک نیست و اطاعت هر چه قدر بزرگ باشد در برابر لطف و رحمت و نعمت های خداوند چیز کوچکی است.

یکی از دام های شیطان برای گول زدن انسان ها کوچک نشان دادن گناه است تا باعث تکرار گناه شود.

فخر فروشی ثروتمندان و کوچک شمردن فقیران

امام در جمله بعد می فرماید:

"خداوندا! به تو پناه می برم از فخر فروشی ثروتمندان و از کوچک شمردن فقیران."

انسان هایی که برای چیزهای که دارند به دیگران فخر فروشی می کنند دچار پشیمانی می شوند زیرا نعمت هایی که انسان به خاطر آن فخر می فروشد و قدرتی که دارد، به زودی از دست انسان می رود. فخر فروشی نشانه حماقت است.

از سوی دیگر قرآن افرادی که که فقرا را تحقیر می کنند به شدت سرزنش می کند.



بد رفتاری با زیردستان و شکرگزار نبودن

امام سجاد (ع) در ادامه دعا به این کارهای زشت و ناپسند اشاره می کند و می فرماید :

"خداوندا ! به تو پناه می بریم از این که با زیر دستان خود بد رفتاری کنیم و نسبت به کسانی که به ما خدمت کرده اند شکرگزار نباشیم."

نظر امام سجاد (ع) در مورد زیر دستان این است که باید بین آن ها عدالت را رعایت کنی و با آن ها مثل یک پدر مهربان باشی و زمانی که کاری را از روی نادانی انجام دادند باید آن ها را ببخشی و در تنبیه آن ها عجله نکنی و خداوند را به خاطر قدرتی که به تو نسبت به آن ها داده است شکر کنی.

شکر گزاری کردن از افرادی که خدمتی به ما کرده اند، آن ها را به ادامه نیکوکاری دعوت می کند، در حالی که ناسپاسی کردن باعث دلسردی افراد می شود.
یاری کردن ظالم و کمک نکردن به مظلوم

امام سجاد (ع) در ادامه این بخش از دعا می فرماید:

"خداوندا ! به تو پناه می برم از این که ظالمی را یاری کنیم یا مظلومی را کمک نکنیم."

یاری کردن ظالمان از گناهان کبیره است . کسی که ظلم می کند، کسی که ظالم را یاری می کند و کسی که راضی به ظلم اوست، هر سه در گناه شریک هستند.

در روایات اسلامی آمده است که مسلمانان به یاری افراد غمگین و مظلوم بشتابند.



طلب چیزی که حق ما نیست و حرف زدن از چیزی که علم آن را نداریم.

در آخرین قسمت این بخش از دعا امام سجاد (ع) می فرماید:

" خداوندا ! به تو پناه می برم از این که چیزی را بخواهیم که حق ما نیست و حرفی بزنیم که به آن علم نداریم."

افرادی که واقعیت را در مورد خودشان فراموش می کنند و چیزی را می خواهند که حق آن ها نیست، عقل سالمی ندارند. در مورد حرف زدن درباره ی چیزی که به آن علم نداریم هم حتی اگر آن حرف راست هم باشد حرام است که یکی از موارد آن پخش شایعات است که متأسفانه سرچشمه بسیاری از فسادهای اجتماعی است.

ترجمه بخش سوم دعای هشتم صحیفه سجادیه

خداوندا !

به تو پناه می بریم از این که فریب دیگران در دل ما پنهان شده باشد

و از این که با اعمالمان گرفتار غرور و خود بزرگ بینی شویم

و این که آرزوهای خود را دور و دراز کنیم.

خداوندا !

به تو پناه می بریم از زشتی باطن و از این که گناهان را کوچک بشمریم

و این که شیطان بر ما مسلط شود

و از فتنه و فساد روزگار به تو پناه می برم

و همچنین از ظلم و بیداد سلطان بر ما.



باز هم باید از این اعمال بد به خدا پناه برد.
در این بخش از دعا امام از سه کار زشت و گناه آلود دیگر که در سرنوشت انسان تاثیر زیادی دارد به خدا پناه می برد. اول می فرماید:
"خداوندا ! به تو پناه می برم از این فریب دیگران را در دل داشته باشم."
کسی که برادر مسلمان خود را فریب دهد و به او خیانت کند، خداوند برکت روزی او را بر می دارد و او را به خود وا می گذارد. نقطه مقابل فریب دادن، صداقت داشتن است که در روایات اسلامی توصیه فراوانی نسبت به آن شده است.

در ادامه امام به دومین ویژگی زشت اشاره می کند و می فرماید:
"خداوندا ! به تو پناه می بریم از این که با اعمالمان گرفتار غرور و خود بزرگ بینی شویم."
در اینجا منظور مغرور شدن از انجام کار نیک است، یعنی انسان کار خود را بزرگ می شمرد و خود را از انسان های صالح به حساب می آورد مثل اینکه می خواهد بر خدا منت بگذارد که من این کار خوب را انجام داده ام. این حالت یکی از بدترین ویژگی های اخلاقی انسان است که باعث می شود جایگاهش را پیش خدا از دست بدهد.

سومین ویژگی بدی که امام در این بخش از دعا از آن به خدا پناه می برد، طول آرزوهاست و می فرماید: "خداوندا ! به تو پناه می برم از اینکه آرزوهای خود را دور و دراز کنیم."

داشتن آرزو بد نیست بلکه نقش بسیار مهمی در پیشرفت مادی و معنوی انسان دارد، همان گونه که در روایت آمده است: برای مردم من امید و آرزو رحمت است، اگر امید و آرزو در دل مادر نبود هرگز به فرزندش شیر نمی داد و هیچ وقت باغبان درختی نمی کاشت.



آن چه زشت و ناپسند است درازی آرزوهاست که باعث می شود انسان آخرت را فراموش کند. آرزوهای طولانی انسان را شب و روز به خود مشغول می کند و حتی گاهی باعث می شود نماز انسان قضا شود، قیامت را فراموش کند و برای آن آماده نشود و توشه ای برای آخرت جمع نکند، چون توانایی انسان محدود است و وقتی تمام توانایی انسان برای آرزوهای طولانی استفاده می شود، راهی برای آخرت باقی نمی ماند. در جمله بعدی امام سجاد (ع) از پنج چیز ویژگی بد به خدا پناه می برد و نخست می فرماید:

"خداوندا! به تو پناه می برم از زشتی باطن."

مردم از نظر ظاهر و باطن به ۴ دسته تقسیم می شوند:

گروه اول ظاهر و باطنشان زیبا و پسندیده است،

گروه دوم ظاهر و باطنشان آلوده است،

گروه سوم کمی باطنشان خوب و ظاهرشان بد است

و گروه چهارم که همان منافقان هستند ظاهر زیبا و باطنی آلوده دارند و امام سجاد (ع) در

این جمله اشاره به این گروه دارد.



در ادامه امام از کوچک شمردن گناهان صغیره به خدا پناه می برد و می فرماید:

"خداوندا! به تو پناه می برم از این که گناهان صغیره را کوچک بشمرم."

بسیاری از مردم به خاطر کوچک بودن گناهان صغیره اهمیتی به آن نمی دهند که این بی اعتنائی باعث تکرار آن گناه و تبدیل آن به گناه کبیره می شود و راه را برای انجام گناهان دیگر باز می کند و کسی که در گناهان کوچک از خدا نترسد در گناهان بزرگ هم نخواهد ترسید.

سومین مورد خطرناکی که امام در این بخش به خدا پناه می برد، سلطه شیطان است؛ و می فرماید:

"خداوندا! به تو پناه می برم از این که شیطان بر ما مسلط شود."

گاهی انسان از شیطان پیروی می کند و بعد پشیمان می شود و توبه می کند و گاهی هم بر انسان مسلط می شود و باعث می شود تا انسان یاد خدا را فراموش کند و جزء گروه شیطان شود که در این صورت نجاتش خیلی مشکل می شود.

در ادامه این بخش امام از عامل دیگری به خدا پناه می برد و می فرماید:

"خداوندا! از فتنه و فساد روزگار به تو پناه می بریم."



اتفاقاتی که در زندگی انسان می افتند گاهی با منافع و خواسته های او هماهنگ هستند و گاهی ناهماهنگ و مخالف هستند. تاریخ زندگی انسان ها پر است از داستان هایی که چگونه زندگی انسان ها بر اثر حادثه های گوناگون تغییر می کند و از اوج قدرت و مقام به پایین کشیده می شوند.

از جمله این داستان ها، داستان برمکی ها و داستان عمرولیث صفاری است.

امام در آخرین جمله این بخش از دعا می فرماید:

"خداوندا! به تو پناه می برم از ظلم و بیداد سلطان بر ما."

دلیل اینکه امام در این جمله بر عنوان سلطان، تاکید کرده است در حالی که ظلم و ستم ممکن است توسط دیگران هم اتفاق بیفتد، این است که سلاطین، به ویژه در گذشته ظلم بسیار زیادی به مردم می کردند و در نتیجه وقتی امام از ظلم سلطان به خدا پناه می برد تکلیف ظلم دیگران هم مشخص می شود.



منابع

۱. قرآن کریم.
۲. صحیفه سجادیه، دعا‌های امام زین‌العابدین (ع)، ترجمه و شرح.
۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
۴. مطهری، مرتضی، آشنایی با سیره امامان معصوم (ع)، انتشارات صدرا.
۵. مرکز پژوهش‌های اسلامی، زندگی و سیره امام سجاد (ع).
۶. کتب درسی آموزش قرآن و پیام‌های آسمانی دوره متوسطه اول.

